

معیار های تشویق و تنبیه کارگزاران در سیره حکومتی امام علی (ع)

دکتر حسین غفوری چرخابی^۱، احمدرضا زارعی^۲

۱- (Email: h.ghch@yahoo.com)

۲- (Email: Ahmadreza4729@gmail.com)

چکیده

بی تردید یکی از مسائل مهم و درخور توجه هر نظام، تربیت سیاسی کارگزاران آن نظام است. در مقوله "بقاء و زوال دولت" در فلسفه سیاسی اسلام چگونگی عملکرد کارگزاران نظام سیاسی یکی از مسائل مهم و درخور توجه است. بی گمان رفتار درست و سنجیده حکومت و کارگزاران در استحکام پایه های حکومت و ماندگاری آن نقشی اساسی دارد و این کار جز با انتخاب افراد لایق و کاردان و توجه به تربیت سیاسی مستمر آنان، امکانپذیر نیست، چرا که ممکن است مقام و قدرت به تدریج سبب انحراف و یا تغییر ماهیت آنان گردد؛ پیامبر اسلام (ص) و امام علی (ع) به این امر مهم توجه جدی داشتند و افرادی چون سلمان فارسی، عمار و مالک اشتر را تربیت کردند که جز به رضای خدا و خدمت به خلق خدا به چیز دیگری نمی اندیشیدند.

تربیت سیاسی کارگزاران در گفتار و سیره امام علی (ع) به ویژه در نهج البلاغه همانند دهها مساله مهم دیگر زندگی، به شیوه ای غیر از شیوه های دیگر حکومت های جهان مطرح شده است، تربیت سیاسی کارگزاران در نظر امام علی (ع) به صورت یک مساله نظری، تجربیدی و ذهنی مطرح نبوده است، چرا که امام علی (ع) با این مساله درگیر بوده و به عنوان یک حاکم سخن گفته، عمل کرده و به ابعاد گوناگون این مقوله پرداخته است. در مکتب تربیتی امام علی (علیه السلام)، نمونه های مختلف تشویق و تنبیه به چشم می خورد که نمایانگر ضرورت تشویق و تنبیه در نگاه آن حضرت است. تشویق و تنبیه در اسلام جنبه ی تربیتی دارد. یعنی برای تربیت بهتر نیروهای انسانی و افزایش

^۱ استاد یار دانشگاه اردکان-

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت منابع انسانی اسلامی دانشگاه اردکان.

کیفیت و کارایی، آنان تشویق یا تنبیه می‌شوند. در حقیقت معیارهای تشویق و تنبیه در مدیریت اسلامی از پیامبران و برگزیدگان الهی اقتباس شده است.

کلید واژه: امام علی (علیه‌السلام)، نهج‌البلاغه، تشویق، تنبیه

تعریف واژه‌ی تشویق و تنبیه

تشویق از ماده‌ی الشَّوْقُ به معنای کشیده شدن نفس آدمی به سوی امری می‌باشد. مصباح‌المُنیر در ماده (ش و ق) می‌گوید: الشَّوْقُ إِلَى الشَّيْءِ نَزَاعُ النَّفْسِ إِلَيْهِ؛ بنابراین تشویق که مصدر باب تفعیل است در لغت به این معنای آمده است: بر انگیختن، به شوق آوردن (۱)، راغب ساختن، آرزومند کردن (۲)، کار کسی را ستودن و او را دلگرم ساختن به چیزی. در لسان‌العرب آمده: شَوَّقَنِي: هِاجَنِي فَتَشَوَّقْتُ إِذْ لَا هَيْجَ شَوَّقَكَ. أَقْرَبَ الْمَوَارِدِ نِيزَ چنين گفته: شَوَّقَهُ إِلَيْهِ (هَيْجَهُ) أَيْ: حَمَلَهُ عَلَى الشُّوقِ. تنبیه نیز مصدر باب تفعیل از ماده‌ی النَّبَه به معنی بیدار شدن می‌باشد. لسان‌العرب می‌گوید: النَّبَه: الْإِنْتِبَاهَ مِنَ النَّوْمِ؛ پس تنبیه در لغت عبارتست از: آگاه ساختن کسی بر امری، بیدار کردن، هشیار ساختن، واقف گردانیدن به چیزی، ادب کردن (۳) و مجازات کردن (۴). در لسان‌العرب چنین بیان شده: نَبَّهْتُهُ عَلَى الشَّيْءِ: وَقَفْتُهُ عَلَيْهِ.

معیارهای تشویق و تنبیه از نظر امام علی (ع)

کلام و سخنان امام علی (ع) درباره زمامداران، حاوی خصوصياتی برای کارگزاران است که قابل توجه است و هر کدام نشان دهنده مفهوم خاصی از ارزشهای اسلامی است. اوصاف مدیران و زمامداران شایسته در گفتار امام علی (ع) بسیار آمده است. بنابراین بدیهی است که هر مدیر و زمامداری که این ویژگی‌ها را دارا نباشد مورد تنبیه و در ادامه عزل می‌گردد و اگر این ویژگی‌ها را دارا باشد مورد تشویق و در ادامه منصوب به جایگاه خاصی می‌گردد. البته محور اصلی رهبری و مدیریت در اسلام، انسان به عنوان موجودی خلیفه الله و ابدی است و هدف اساسی، رشد و تعالی ارزش‌های معنوی اوست. این اختلاف، سبب شده تا ملاک و ارزشهای گزینش مدیران در اسلام و غرب در بسیاری موارد فرق کند.